



Analyzing the effective components in the formation of analytical literacy of teenagers

Majid Ebadi Sharafabad, Shahram Ranjdoust✉, Mohammad Azimi

Abstract

Background and Aim: Argumentative discourse plays a central role in public and intellectual communication, and people need to be able to read and analyze topics, so the main goal of the research was to identify the components of the formation of analytical literacy in teenagers and to present a model. **Method:** In terms of its purpose, this research is a part of applied research, and the qualitative research method is grand theory. In this research, experts' opinions have been studied and explored. The statistical population of this research was all secondary education professors and teachers in 2019, 30 of whom had at least 15 years of teaching experience and a doctorate degree in the field of educational sciences, curriculum planning, and educational management, were selected through available sampling. Data analysis was done by coding interviews and then quantifying and using structural equations by Smart PLS software. **Results:** The results of the research showed that in terms of causal factors (planning and management, making schools smarter, avoiding the consequences of unipolar education), background factors (analytical literacy promotion infrastructure, study tools and techniques), intervening factors (literacy management) students, time management), strategies and measures (teaching critical thinking, creating a learning environment and students' participation in the educational structure, publishing books) consequences (developing competence, analytical literacy, strengthening analytical power) were identified. **Conclusion:** Analytical literacy, either alone or as a necessary literacy for the effectiveness of other types of literacy (including media, internet and critical literacy) can have double importance in the third millennium.

Received: 18.06.2021
Revision: 11.08.2021
Acceptance: 03.09.2021

Keywords:

analytical literacy, secondary education, grand theory, formation process

How to cite this article:

Ebadi Sharafabad, M., Ranjdoust, Sh., & Azimi, M. Analyzing the effective components in the formation of analytical literacy of teenagers. *Jayps*, 2021, 2(1): 382-393

Article type

Original research

1. Majid Ebadi Sharafabad, PhD student, Department of Educational Sciences, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran. **2. Shahram Ranjdoust**, Assistant Professor of the Department of Educational Sciences, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran. **3. Mohammad Azimi**, Assistant Professor of the Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran

✉ Correspondence related to this article should be addressed to **Shahram Ranjdoust**, Assistant Professor of the Department of Educational Sciences, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran

Email: dr.Ranjdoust@gmail.com

واکاوی مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری سواد تحلیلی نوجوانان

مجید عبادی شرف‌آبادی، شهرام رنجدوست ✉، محمد عظیمی

<p>چکیده</p> <p>زمینه و هدف: گفتمان استدلالی در ارتباطات مردمی و فکری نقش مرکزی را ایفا می‌کند و افراد نیاز دارند در خواندن و تحلیل مباحث توانا شوند لذا هدف اصلی پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های شکل‌گیری سواد تحلیلی در نوجوانان و ارائه‌ی مدل بود. روش پژوهش: این پژوهش از نظر هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی است و روش پژوهش کیفیاز نوع، گراند تئوری (نظریه زمینه‌ای) است. در این پژوهش به مطالعه و اکتشاف نظریات خبرگان پرداخته شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش تمامی اساتید و دبیران آموزش متوسطه در سال ۱۳۹۹ بودند که ۳۰ نفر از آنها که دارای حداقل ۱۵ سال سابقه تدریس و مدرک دکتری در زمینه علوم تربیتی، برنامه‌ریزی درسی و مدیریت آموزشی بودند به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری مصاحبه‌ها و سپس کمی‌سازی و استفاده از معادلات ساختاری توسط نرم افزار Smart PLS انجام شد. یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان داد که در زمینه عوامل علی (برنامه‌ریزی و مدیریت، هوشمند سازی مدارس، اجتناب از مواجهه با پیامدهای آموزش تک قطبی)، عوامل زمینه‌ای (زیرساختهای ارتقاء سواد تحلیلی، ابزارها و تکنیک‌های مطالعه)، عوامل مداخله‌گر (مدیریت سواد دانش‌آموزان، مدیریت زمان)، راهبردها و اقدامات (آموزش تفکر انتقادی، ایجاد محیط یادگیرنده و مشارکت فراگیران در ساختار آموزشی، چاپ کتاب) پیامدها (توسعه شایستگی، سواد تحلیلی، تقویت قدرت تحلیل) شناسایی گردیدند. نتیجه‌گیری: سواد تحلیلی چه به تنهایی و چه به‌عنوان سواد لازم برای اثربخشی سایر انواع سوادها (از جمله سواد رسانه‌ای، اینترنتی و انتقادی) در هزاره سوم اهمیت مضاعفی می‌تواند داشته باشد.</p>	<p>دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۲۸</p> <p>اصلاح مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰</p> <p>پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۱۲</p> <p>واژه‌های کلیدی: سواد تحلیلی، آموزش متوسطه، گراند تئوری، فرآیند شکل‌گیری</p> <p>نحوه ارجاع دهی به مقاله: عبادی شرف‌آبادی، م.، رنجدوست، ش.، عظیمی، م. (۱۴۰۰). <i>واکاوی مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری سواد تحلیلی نوجوانان</i>. <i>دوفصلنامه مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان</i>، ۱۲(۱): ۳۸۲-۳۹۳</p>
<p>۱. مجید عبادی شرف‌آبادی، دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران؛ ۲. شهرام رنجدوست، استادیار گروه علوم تربیتی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران؛ ۳. محمد عظیمی، استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران</p> <p>✉ مکاتبات مربوط به این مقاله باید خطاب به شهرام رنجدوست استادیار گروه علوم تربیتی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران است. پست الکترونیکی: dr.Ranjdoust@gmail.com</p>	<p>نوع مقاله: پژوهشی اصیل</p>

مقدمه

واژه سواد در گذر زمان از تکامل تدریجی برخوردار بوده است. سواد دربرگیرنده مهارت‌های مورد نیاز برای هر شخص است تا بتواند نقش مناسبی را در جامعه ایفا کند. ساده‌ترین حالت سواد مشتمل بر توانمندی کاربرد زبان است، بدین معنا که فرد باسواد قادر به خواندن، نوشتن و درک زبان بومی خود باشد (باودن، ۲۰۱۱). در گذشته نه چندان دور تعلیم و تربیت و کسب سواد در بیشتر ممالک، طبقاتی و در انحصار اعیان و اشراف بود؛ اما در چند دهه گذشته مبارزات مردم، فشارهای گروه‌های سیاسی و پشتیبانی سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو و متخصصان آموزش و پرورش باعث شد دولت‌ها نقش فعال‌تری در آموزش و پرورش ملت خود بر عهده گیرند و در نتیجه سطح سواد و دانش در میان قشرهای مختلف مردم بالاتر رود (ابراهیم زاده، ۱۳۹۴).

تعریف‌های گوناگون و گاه متضادی از سواد ارائه شده است برخلاف تصور، مفهوم سواد مفهومی بحث‌انگیز است به طور کلی تعریف‌های گوناگون سواد را می‌توان در قالب دورویکرد متفاوت مورد بررسی قرارداد: رویکرد مستقل ازبافت و رویکرد ایدئولوژیکی. سواد در رویکرد مستقل ازبافت باتوانایی‌های ذهنی خاصی ارتباط دارد و این توانایی‌ها در بافت‌های اجتماعی و شرایط گوناگون کاربرد یکسانی دارند. در این برداشت، سواد توانایی خواندن و نوشتن تعریف می‌شود و باسواد بودن به معنای داشتن قابلیت استفاده از متون مکتوب و نیز مهارت‌های فنی مرتبط با رمزگردانی و رمزگشایی است. برپایه این دیدگاه، سواد امری بدون جهت‌گیری است و می‌تواند برای هر نوع هدفی، خوب یا بد به کار رود. براساس این رویکرد می‌توان گفت سواد مهارت شناختی ساده‌ای به شمار می‌آید که قابل یادگیری است. و با توجه به این مساله می‌توان گفت کسانی که در این مهارت تسلط یافته‌اند، می‌توانند از آن‌ها برای اثرگذاری بر دیگران و به دست آوردن جایگاه استفاده کنند (استریت، ۲۰۱۸).

سواد تحلیلی یکی از انواع مختلف سواد است که در تحقیقات داخلی و حتی خارجی خیلی کمتر به آن پرداخته شده است. منظور از سواد تحلیلی توانایی شناخت، ارزیابی و تحلیل نظریه‌های مختلف با استدلال‌های منطقی و

اصولی بدون هر گونه تعصب و پیش فرض‌های قومی ایدئولوژی (آنسکو، ۲۰۱۴) است. برای درک سواد تحلیلی توضیح نقطه مقابل آن یعنی بی‌سوادی تحلیلی کمک کننده خواهد بود. بی‌سوادی تحلیلی در مورد کسی نمود می‌یابد که می‌تواند متنی را بخواند و معنای کلی آن را درک کند، ولی نمی‌تواند بطور تحلیلی راجع به آن فکر کند و احتمال قابل اطمینان بودن یا تحریف شدگی آن را تشخیص دهد. سواد تحلیلی لازمه تبدیل شدن دانشجویان به پژوهشگران است یک فرد باید قادر باشد از رفتارهای سواد تحلیلی به شیوه‌ای معنادار در زمینه و شرایط واقعی زندگی استفاده کند (مریا، ۲۰۱۶). کروکس (۲۰۰۸) بیان می‌کند گفتمان استدلالی در ارتباطات مردمی و فکری نقش مرکزی را ایفا می‌کند و افراد نیاز دارند در خواندن و تحلیل مباحث توانا شوند. این محقق این نوع صلاحیت و توانایی را سواد تحلیلی می‌نامد. افرادی که از نظر تحلیلی سواد دارند سه توانایی را در خواندن و نوشتن خود بروز می‌دهند: توانایی خواندن و پاسخ دادن به یک استدلال با هوشمندی و قدرت تشخیص (خواندن تحلیلی)، توانایی ایجاد استدلالی که از نظر منطقی متقاعد کننده است (نوشتن تحلیلی) و توانایی تشخیص زمانی که تحلیل‌های استدلالی مورد نیاز بوده یا مورد نیاز نیست (سوردانا و همکاران، ۲۰۱۸). تفکر تحلیلی یکی سواد تحلیلی از حیاتی‌ترین مهارت‌ها در جامعه امروزی هست و کمبود این توانایی می‌تواند انسان‌ها را از مشارکت مؤثر در جوامع باز دارد (خویریاخ و هوساماح، ۲۰۱۸). تفکر انتقادی و تحلیلی یک نوع فعالیت شناختی به منظور درک و ارزشیابی یافته‌ها و پدیده‌ها براساس استدلال و تحلیل می‌باشد. یکی از مهمترین اهداف آموزش و پرورش در قرن ۲۱ تربیت فراگیرانی است که از آمادگی لازم برای رویارویی با جامعه در حال تغییر و پیچیدگی‌های عصر انفجار اطلاعات برخوردار باشند. براین اساس ترویج اندیشیدن و اندیشه‌ورزی در مدارس از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد و این تنها در سایه انتقال اطلاعات به ذهن یادگیرندگان حاصل نمی‌شود بلکه در برنامه‌های درسی باید روش‌هایی گنجانده شود که از طریق آنها یادگیرندگان قابلیت‌های چگونه آموختن را از طریق نظم فکری بیاموزند و در زندگی روزمره خود بکار ببندند (کوپر، ۲۰۱۱). تحلیل شکل مهمی

می‌دهند: توانایی خواندن و پاسخ دادن به یک استدلال با هوشمندی و قدرت تشخیص (خواندن تحلیلی)، توانایی ایجاد استدلالی که از نظر منطقی متقاعدکننده است (نوشتن تحلیلی) و توانایی تشخیص زمانی که تحلیل‌های استدلالی موردنیاز بوده و یا موردنیاز نیست. در خصوص اهمیت سواد تحلیلی می‌توان گفت؛ لئون سندرک در سال ۱۹۹۸ بیان می‌کند مواجهه با هزاره بعدی نه تنها نیازمند سواد فنی و تحلیلی است بلکه نیازمند سوادهای چند فرهنگی، اکولوژیک و طراحی به عنوان عناصر اصلی برنامه‌ریزی درسی مدارس است (کوری، ۱۹۹۹).

همانگونه که اشاره شد سواد تحلیلی یکی از انواع مختلف سواد است که در تحقیقات کمتر بدان پرداخته شده است و هنوز شناخت حتی نسبی از ابعاد و مولفه‌های مختلف آن وجود ندارد و به نظر می‌رسد این نوع سواد وابسته به زمینه و موضوع مورد مطالعه باشد. آنچه واضح است سواد تحلیلی چه به تنهایی و چه به عنوان سواد لازم برای اثربخشی سایر انواع سوادها (از جمله سواد رسانه‌ای، اینترنتی و انتقادی) در هزاره سوم اهمیت مضاعفی می‌تواند داشته باشد. اما مسئله اصلی در خصوص این سواد نبود شناخت کاملی از آن، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آن و کاربست ضعیف و حتی عدم استفاده آن و عدم اجازه برای شکوفایی آن به عنوان راهی برای ایجاد رفتارهای انتقادی و تحلیلی است و بدیهی است تا زمانی که شناخت ما نسبت به سواد تحلیلی کامل نگردد نمی‌توان برای توسعه و یا آموزش آن نیز اقدامی انجام داد. با توجه به اینکه آموزش و پرورش وظیفه اصلی تعلیم و تربیت اعضای جامعه و به نوعی سوادآموزی شهروندان را از سنین پایین بر عهده دارد و باید فراگیران را برای رویارویی با چالش‌های زندگی در حال تغییر و غیرقابل پیش‌بینی امروزی آماده نماید و امروزه گستره انواع سوادهای قابل‌ارائه وسیع‌تر شده است به نظر می‌رسد سواد تحلیلی نیز یکی از سوادهایی باشد که باید مدنظر برنامه‌ریزان آموزشی قرار گیرد که متأسفانه تاکنون مورد توجه نبوده است. بر این اساس هدف از تحقیق پیش رو مطالعه فرآیند شکل‌گیری سواد تحلیلی در دانش‌آموزان متوسطه است، به عبارتی در این تحقیق به دنبال این هستیم که سواد تحلیلی دارای چه عناصر و مؤلفه‌هایی

از گفتمان است که در قلب فرهنگ روشنفکری مردمی نهفته است. خواندن و نوشتن تحلیلی براساس الگوی مشترکی است این الگو قالب‌هایی را پیشنهاد می‌کند که دانش‌آموزان را ترغیب می‌کند که درگیر عکس‌العمل تحلیلی متناسب با وظیفه آنهادر قبال مطالعه و نوشتن باشد (بروک، ۲۰۱۰). داشتن تفکر تحلیلی باعث می‌شود که فرد از شواهد و نظریات موجود بالاترین درک را داشته باشد تا نظرات و معانی را که در پشت هر مساله مهمی وجود دارد را آشکار سازد (دوراک و ساری تپه چی، ۲۰۱۸). تعلیم و تربیت بر پایه تفکر و مبتنی بر خرد ورزی، نقد و تغییر به هدف‌های عمده آموزشی توجه می‌کند. تفکر تحلیلی می‌تواند سبب رشد فرآیندهای فکری از طریق گذر به فراتر از نگرش‌ها و تصورات خود محورانه و توسعه دامنه تجربه دانش‌آموزان باشد (مایر، ۲۰۱۳). تحقیقات کوک و مول (۲۰۱۱) اشاره به روش‌های یادگیری مبتنی بر ترویج تفکر تحلیلی، حل مساله، مشارکت فعال و شناسایی نیازهای یادگیری، بحث و گفتگوهای خلاق و یادگیری از همسالان و ادغام و تولید دانش است که در این حالت یادگیری واقع بینانه‌تر می‌شود (ورتنز، ۲۰۱۳). عفرای (۱۴۰۰) در تحقیقی نشان داد که هدف غائی سواد اجتماعی بروز رفتار اجتماعی مطلوب در دانش‌آموزان است اصول استخراج شده شامل غلبه بر خودمحوری، مشارکت اجتماعی، قانون‌مندی و قانون‌مداری، اصلاح شرایط، مدارا کردن، احساس مسئولیت و تفکر انتقادی است. برانگیختن علاقه دانش‌آموزان برای رشد فکری و روی آوردن به تفکر انتقادی، گرایش به از بین بردن تعصبات ذهنی و منفی و دوری از انفعال ذهنی، گرایش به پرسشگری، جستجوی دلایل، سعی در کامل کردن اطلاعات از منابع معتبر، عدالت و انصاف و دقیق و حساس بودن نسبت به احساس دیگران، پرورش خودآگاهی، رشد و گفتگوی درونی و یادگیری از طریق توجه به تفاوت‌های فردی و درک و پذیرش مخالفت‌ها همگی از ویژگی‌های تفکر تحلیلی هستند که جامعه از طریق مدارس باید در پی پرورش آن باشد (مارزانو، ۲۰۱۴). کروکس (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان توسعه سواد تحلیلی: یک الگوی رویکردی بیان می‌کند، افرادی که از نظر تحلیلی سواددارند سه توانایی را در خواندن و نوشتن خود بروز

است و فرآیند شکل‌گیری سواد تحلیلی در دانش‌آموزان متوسطه چگونه است؟

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی است و از حیث روش، گراند تئوری (نظریه زمینه‌ای) است. جامعه‌ی آماری این پژوهش ۳۰ نفر از اساتید و دبیران آموزش متوسطه می‌باشد که دارای حداقل ۱۵ سال سابقه تدریس و مدرک دکتری در زمینه علوم تربیتی، برنامه‌ریزی درسی و مدیریت آموزشی می‌باشند، که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردیده‌اند. در این پژوهش به مطالعه و اکتشاف نظریات خبرگان پرداخته شده و روش تحقیق بکار رفته در این پژوهش از نوع کیفی می‌باشد. این پژوهش در سه مرحله اجرا می‌گردد: مرحله اول: از آنجاییکه هدف پژوهش در این تحقیق ارائه فرآیند شکل‌گیری سواد تحلیلی در دانش‌آموزان متوسطه لذا هدف بنیادی است. مرحله دوم: در این مرحله با استفاده از مؤلفه‌های شکل‌گیری سواد تحلیلی که در مرحله اول با استفاده از روش گراند تئوری و با استفاده از مصاحبه تهیه می‌شود و در اختیار خبرگان آموزشی قرار داده شده و با استفاده از کدگذاری مولفه‌های مورد نظر شناسایی می‌گردد. مرحله سوم: مدل پارادایمی پژوهش رسم گردید و توسط نرم افزار Smart PLS اعتبار مدل مورد سنجش قرار گرفت.

ابزار پژوهش

۱. مصاحبه نیمه ساختار یافته: مصاحبه یکی از ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش‌های کیفی و آمیخته است. این ابزار امکان تماس با مصاحبه‌شونده را فراهم می‌کند و با کمک آن می‌توان به ارزیابی عمیق‌تر از ادراک‌ها و نگرش‌ها، علایق و آرزوهای مصاحبه‌شونده پی برد. در این تحقیق از روش مصاحبه که مختص روش‌های تحقیق کیفی است برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. قبل از اجرای مصاحبه‌ها پروتکل مصاحبه مناسب تهیه و تدوین گردید. مصاحبه‌های اجرا شده از نوع ساختارنیافته و عمیق بوده، که با معیار اشباع نظری تمام شد. شایان ذکر است که مدت زمان مصاحبه برای هر فرد متصص، ۶۰ دقیقه بود.

روش اجرای پژوهش

تحلیل داده‌ها مطابق با روش نظریه پردازی داده بنیاد طی سه مرحله کدگذاری انجام شده است. اولین گام یافتن مقولات مفهومی در داده‌ها در سطح اولیه از انتزاع بوده است. دومین گام یافتن ارتباطات بین این مقولات است و سومین مرحله مفهوم‌سازی و گزارش این ارتباطات در سطح بالاتری از انتزاع است.

کدگذاری باز: بخشی از فرآیند تحلیل داده‌ها است و عبارت است از خردکردن، مقایسه کردن، مفهوم پردازی و مقوله‌بندی داده‌ها. کدگذاری باز طی دو مرحله انجام می‌گیرد: کدگذاری سطح اول که منجر به تولید مفاهیم می‌شود و کدگذاری سطح دوم که حاصل آن ایجاد مقوله‌هاست.

کدگذاری محوری: فرآیند مرتبط سازی مقولات را کدگذاری محوری می‌نامد. چرا که این کدگذاری بر محور مقوله، مرتبط‌سازی مقولات در سطح ابعاد و ویژگی‌های پارادایم اتفاق می‌افتد. در کدگذاری محوری باید شکل محکمی از روابط حول محور مقوله شکل گیرد. در کدگذاری محوری مقولات زیر باید شناسایی شوند:

شرایط علی: حوادث، وقایع و اتفاق‌هایی که به وقوع یا گسترش پدیده می‌انجامد. پدیده (مقوله اصلی): ایده و فکر محوری، حادثه، اتفاق یا واقعه‌ای که سلسله کنش/کنش متقابل به سوی آنها رهنمون می‌شوند تا آنها را اداره، یا با آنها به صورتی برخورد کنند، یا اینکه سلسله رفتارها بد آنها مرتبط‌اند. در واقع همان هسته مورد مطالعه است که در این پژوهش (آموزش سواد تحلیلی) می‌باشد.

زمینه: سلسله خصوصیات ویژه‌ای که به پدیده دلالت می‌کنند. زمینه نشانگر یک سلسله شرایط خاصی است که در آن راهبردهای کنش/کنش متقابل صورت می‌گیرد.

شرایط میانجی (مداخله‌گر): شرایط ساختاری که به پدیده تعلق دارند و بر راهبردهای کنش/کنش متقابل اثر می‌گذارند. آن‌ها راهبردها را درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند و یا آن را محدود و مقید می‌کنند.

راهبرد: کنش/کنش متقابل: استراتژی‌های ایجاد شده برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده، تحت شرایط مشاهده شده خاص متقابل اثر می‌گذارند. آنها راهبردها را درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند و یا آن را محدود و مقید می‌کنند.

داده بنیاد (و همچنین دیگر پژوهش‌های کیفی)، کوربین و استراوس ۱۰ شاخص مقبولیت را معرفی کرده‌اند که بر مبنای آن پژوهش حاضر ارزیابی شد.

اجماع داده‌ها یعنی استفاده از منابع چندگانه داده‌ها، مانند گردآوری داده‌ها از گروه‌های مختلف، محیط‌های مختلف، یا در زمان‌های مختلف. بطور کلی، زمانی که برای گردآوری داده‌ها از بیش از یک دیدگاه استفاده می‌شود، تصویر کاملتری به دست خواهد آمد. کنترل اعضا یا اعتبار پاسخگو تکنیکی است که بدان وسیله محقق مفروضات خود را با یک یا چند نفر از افراد مطلع تحت بررسی کنترل می‌کند و این تکنیک جهت تأیید تفاسیر پژوهشگر به کار می‌رود. در این راستا، در پژوهش حاضر پس از تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به روش کدگذاری سه گانه، به منظور اعتبار بخشی به مدل تحقیق، متغیرهای استخراج شده از مصاحبه‌ها و نتایج حاصل، به ۸ نفر از صاحب‌نظران ارائه شده که عمدتاً برچسب‌های مفهومی الصاقی را با محتوای داده‌ها مناسب و معتبر تلقی نمودند

یافته‌ها

بنا به نظر کرسول (۲۰۰۵) یک نظریه پرداز زمینه بنیاد می‌تواند نظریه خود را به سه شیوه ممکن ارائه نماید: به صورت نمودار، به شکل تشریحی و روایت یک داستان و یا به صورت مجموعه‌ای از گزاره‌ها. در این پژوهش مدل خلق شده به دو شکل ارائه می‌شود؛ بدین منظور ابتدا از طریق نمودار مدل آموزش سواد تحلیلی ارائه شده و سپس مدل مذکور روایت و تشریح می‌گردد.

اعتبارسنجی مدل با روش حداقل مربعات جزئی

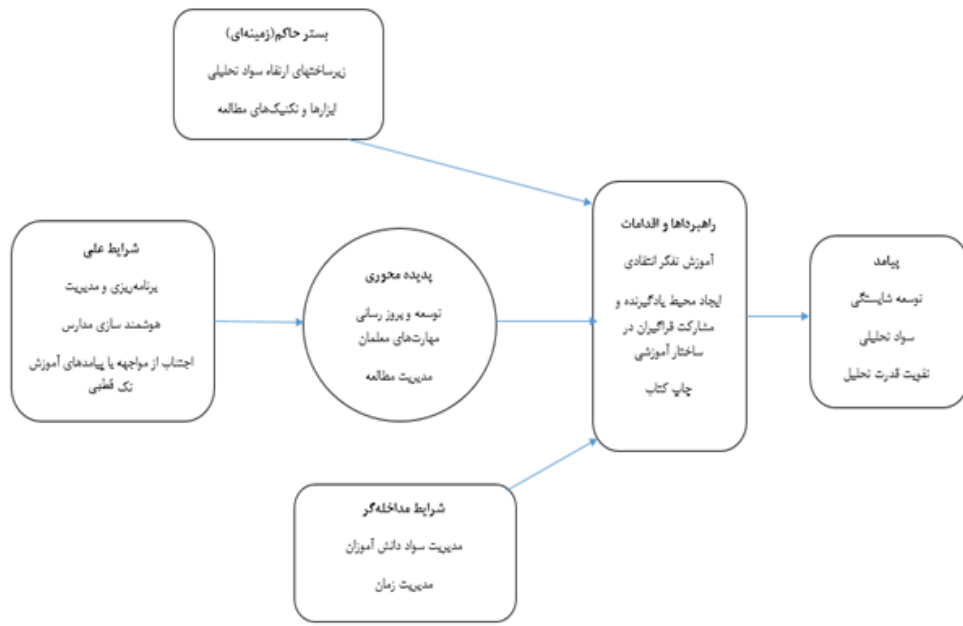
برای اعتبارسنجی مدل از تکنیک حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. نتایج حاصل از اجرای مدل در حالت تخمین استاندارد، جهت و شدت رابطه میان متغیرها را نشان می‌دهد. خروجی نرم افزار Smart PLS برای تخمین استاندارد در شکل زیر ارائه شده است.

پیامد: نتیجه و حاصل کنش / کنش متقابل.

کدگذاری/انتخابی: در این مرحله باید مقولات را با یکدیگر مرتبط ساخت تا نظریه شکل بگیرد. در واقع پس از مرتبط سازی مقولات با یکدیگر در سطحی انتزاعی تر، و توضیح مفصل هر کدام از مقولات عمده و اصلی در قالب خط داستان به ترسیم دایاگرامی که روابط بین مفاهیم و مقولات تحقیق را نشان می‌دهد پرداخته می‌شود. نکته اساسی در این مرحله، که اساس نامگذاری مدل نهایی نظریه داده بنیاد می‌باشد، مقوله هسته است. مقوله هسته، مقوله‌ای است که با مقولات عمده دیگر مرتبط است و به فراوانی در داده‌ها به آن اشاره شده است، این مقوله همچنین باید به اندازه کافی انتزاعی باشد که به تولید نظریه بی‌انجامد(استراس، ۲۰۰۶).

نحوه ارزیابی و اعتبار بخشی به مدل آموزش سواد تحلیلی

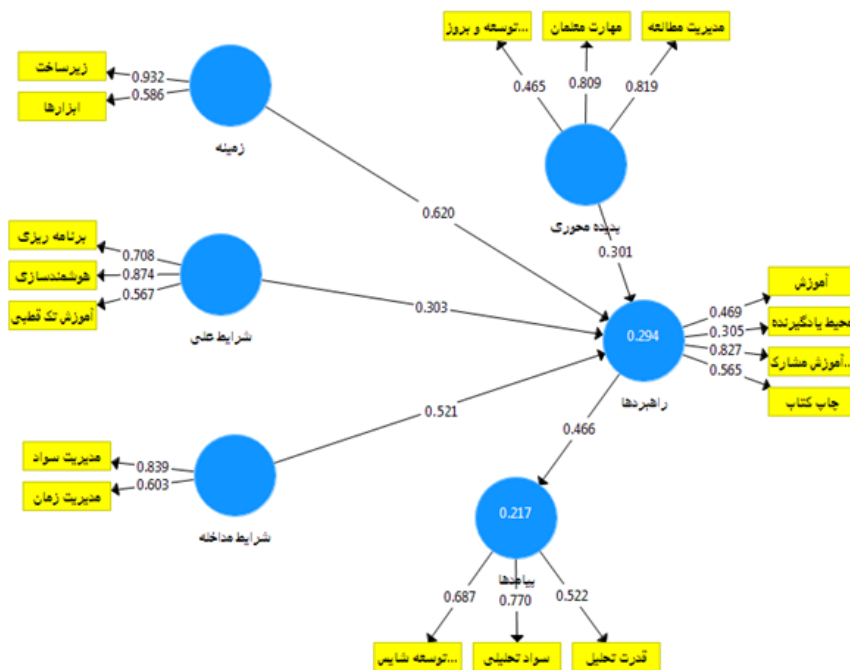
بدون وجود دقت علمی، پژوهش (کمی یا کیفی) بی ارزش بوده و مطلوبیت خود را از دست می‌دهد. در تحقیقات مختلف معیارهای متفاوتی برای ارزیابی پژوهش‌های کیفی از جمله تحقیقات مبتنی بر روش نظریه پردازی زمینه بنیاد ارائه شده است. در رویکرد نظریه پردازی زمینه بنیاد، به منظور اعتبار بخشی به مدل و نتایج تحقیق از "زاویه‌بندی (اجماع / مثلث‌سازی) داده‌ها" و کنترل اعضا و ارزیابی بر اساس معیار "مقبولیت" استفاده می‌شود که شرح مختصری از آن در ادامه ارائه می‌شود. همواره دو معیار اصلی روایی و پایایی برای ارزیابی پژوهش‌های کمی و کیفی مطرح گردیده است. با وجود این، کوربین و استراوس (۲۰۰۸) با بکارگیری این دو معیار برای پژوهش‌های کیفی مخالفت ورزیده و معیار مقبولیت را پیشنهاد داده‌اند. مقبولیت بدین معنی است که یافته‌های تحقیق تا چه حد در انعکاس تجارب مشارکت کنندگان، محقق و خواننده در رابطه با پدیده مورد مطالعه موثق و قابل باور است؛ به منظور ارزیابی کیفیت پژوهش‌های مبتنی بر نظریه پردازی



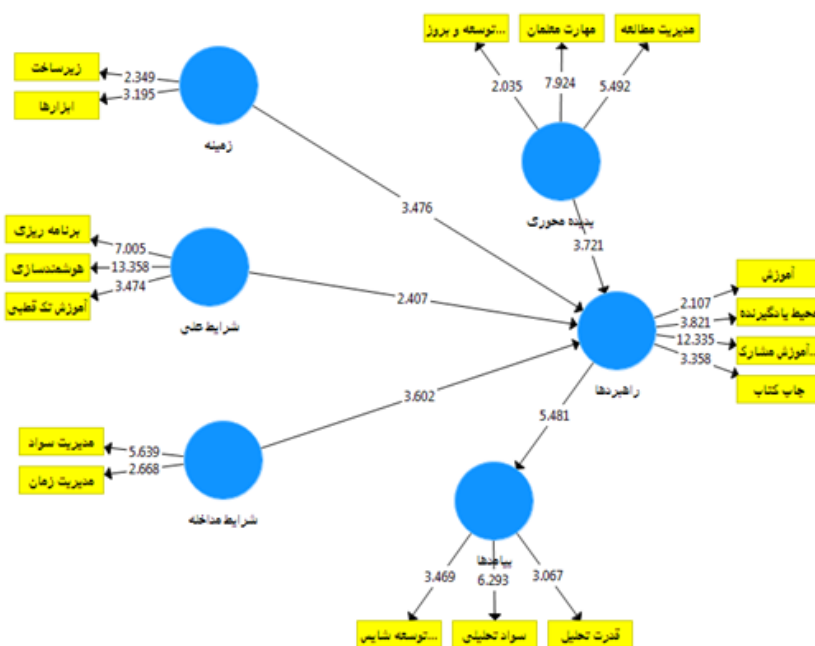
نمودار (۱) مدل پراادایمی سواد تحلیلی

شده معنادار است. آماره t و مقدار بوت استرپینگ برای سنجش معناداری روابط نیز در شکل زیر آمده است. با توجه به نمودار ۲ بارهای عاملی همگی بالای ۰,۳ می‌باشند و بنابراین شاخص‌های استخراجی مورد تایید قرار می‌گیرند.

برای بررسی معناداری روابط متغیرهای مدل از روش خودگردان سازی استفاده شده است که آماره t را به دست می‌دهد. در سطح خطای ۵٪ اگر مقدار آماره بوت استرپینگ بزرگتر از ۱/۹۶ باشد همبستگی‌های مشاهده



نمودار (۲) خروجی اعتبارسنجی مدل با روش حداقل مربعات جزئی



نمودار (۳) معناداری روابط متغیرها با روش حداقل مربعات جزئی (بوت‌استرپینگ)

زیرساخت‌های ارتقاء سواد تحلیلی
ابزارها و تکنیک‌های مطالعه
راهبردها: در این بخش راهبردهایی ارائه می‌شود که با توجه
به شرایط علی مذکور در بستر شرایط زمینه‌ای و شرایط
مداخله‌گر استخراج شده است:
آموزش تفکر انتقادی
ایجاد محیط یادگیرنده و مشارکت فراگیران در ساختار
آموزشی
چاپ کتاب
پدیده محوری: در این بخش عوامل پدیده محوری ارائه
می‌گردد.
توسعه و بروزرسانی اطلاعات
مهارت‌های معلمان
مدیریت مطالعه
پیامدها: پیامدهای حاصل از فرایند ایجاد سواد تحلیلی در
زیر ارائه می‌گردد.
توسعه شایستگی
سواد تحلیلی
تقویت قدرت تحلیل

با توجه به نمودار ۳ مقدار t همگی مولفه‌ها مقداری بیشتر
از ۱/۹۶ می‌باشد بنابراین مدل مورد تایید قرار می‌گیرد. با
عنایت به مدل پارادایمی ارائه شده، شرایط علی، زمینه‌ای،
مداخله‌گر و پدیده محور و راهبردها و پیامدها شناسایی
گردید.
عوامل علی: از آنجا که شرایط علی مقوله‌هایی هستند که
به وجود آورنده مقوله اصلی هستند، طبق نظر مصاحبه
شوندگان عوامل زیر، شرایط علی شناسایی شده‌اند:
برنامه‌ریزی و مدیریت
هوشمندسازی مدارس
اجتناب از مواجهه با پیامدهای آموزش تک قطبی
عوامل مداخله‌گر: با توجه به اینکه شرایط مداخله‌گر، شرایط
زمینه‌ای عمومی است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند با
تحلیل اظهارات مصاحبه‌شوندگان عامل زیر، عامل
مداخله‌گر شناسایی شده است.
مدیریت سواد دانش‌آموزان
مدیریت زمان
عوامل زمینه‌ای: عوامل زمینه‌ای سواد تحلیلی به شکل
مولفه‌های زیر قابل رویت می‌باشد.

جدول ۱. شاخص‌های برازش مدل ساختاری			
تفسیر	ملاک	میزان	شاخص برازش
-	-	۲۴۵/۶۶ درجه آزادی ۸۶	مطلق
عدم برازش	بیشتر از ۰/۰۵	۰/۰۰۶۸	p value
قابل قبول	کوچکتر از ۳	۲/۸۵	خی دو نسبی
قابل قبول	بیش از ۰/۹۰	۰/۹۳	شاخص نیکویی برازش (GFI)
قابل قبول	بیش از ۰/۹۰	۰/۹۲	شاخص توکر- لویس (TLI)
برازش مطلوب	بیش از ۰/۹۰	۰/۹۳	شاخص برازش تطبیقی (CFI)
قابل قبول	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۷۲	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)
برازش مطلوب	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	۰/۹۲	شاخص برازش هنجار شده (NFI)

پيامدها(توسعه شایستگی، سواد تحلیلی، تقویت قدرت تحلیل) شناسایی گردیدند. در این پژوهش یک مدل ساختاری نیز تدوین شد که نتایج بررسی مدل نشان از برازش مدل با نتایج تجربی داشت. نتایج این پژوهش با نتیجه پژوهش عفرای (۱۴۰۰)، رسولی و همکاران (۱۳۹۵)، علی‌پور و همکاران (۱۳۹۲) همسو هست.

افرادی که از نظر تحلیلی دارای سواد هستند، سه توانایی را در خواندن و نوشتن نشان می‌دهند: توانایی خواندن و پاسخ دادن به استدلال با هوش و تشخیص (خواندن تحلیلی)، توانایی ساختن استدلالی که عقلاً قانع کننده باشد (نوشتار تحلیلی)، و توانایی تشخیص، که چه موقع تجزیه و تحلیل استدلالی فراخوانده می‌شود و چه زمانی درخواست نمی‌شود. به طور معمول، مدارس و مراکز آموزشی وظیفه آموزش دانش‌آموزان در خواندن و نوشتن تحلیلی را به دوره‌های مهارت‌های تفکر انتقادی یا استدلال که معمولاً توسط گروه‌های خاص تدریس می‌شوند، سپرده‌اند. این دوره‌ها فرصت‌هایی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کنند تا در تجزیه و تحلیل و ساختن استدلال شرکت کنند و تمرین کنند. نتایج کار در اینجا دلگرم کننده است: مطالعات روانشناختی - مانند تحقیق انجام شده توسط کوهن، شاو و فلتون - نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که دوره‌های تفکر انتقادی را می‌گذرانند، می‌توانند محتوای

با توجه به جدول ۱ مشخص است که مدل طراحی شده توسط محقق از برازش قابل قبولی برخوردار است. نگاهی به جدول ۱، گویای این است، هرچند که اندازه خی دو (۲) از نظر آماری معنی دار است و این معناداری به معنای عدم برازش مدل با داده‌هاست. با این حال در تفسیر نتایج معادلات ساختاری معمولاً خی-دو به علت اینکه شدیداً به تعداد نمونه بستگی دارد، به‌عنوان شاخص برازش مطمئن محسوب نمی‌شود و باید برای بررسی برازش مدل با داده‌ها از شاخص-های برازش دیگر استفاده کرد. با توجه به نتایج جدول ۱، تمام شاخص-های برازش مدل با داده‌ها از مقادیر قابل قبولی برخوردار هستند. این نتیجه حاکی از برازش مدل با داده‌های تجربی است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف واکاوی مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری سواد تحلیلی نوجوانان انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد که در زمینه عوامل علی (برنامه‌ریزی و مدیریت، هوشمند سازی مدارس، اجتناب از مواجهه با پیامدهای آموزش تک قطبی)، عوامل زمینه‌ای (زیرساخت‌های ارتقاء سواد تحلیلی، ابزارها و تکنیک‌های مطالعه)، عوامل مداخله‌گر (مدیریت سواد دانش‌آموزان، مدیریت زمان)، راهبردها و اقدامات (آموزش تفکر انتقادی، ایجاد محیط یادگیرنده و مشارکت فراگیران در ساختار آموزشی، چاپ کتاب)

دریادگیری از منظر رویکرد تحلیلی استفاده می‌کنند. در این رویکرد دانش‌آموزان نه تنها نقش قفل شکن دارند بلکه از دریچه یک منتقد مطلب را بررسی می‌کنند (خویریاخ و هوساماح، ۲۰۱۸).

بر اساس الگوی ارائه شده، خبرگان معتقدند که با متأثر شدن از شرایط ساختاری و مداخله‌گر از قبیل، مدیریت سواد دانش‌آموزان، مدیریت زمان می‌توان از راهبردهایی برای آموزش سواد تحلیلی از قبیل آموزش تفکر انتقادی، ایجاد محیط یادگیرنده و مشارکت فراگیران در ساختار آموزشی، چاپ کتاب استفاده گردد. آنچه مسلم است نقش نظام‌های آموزشی و مدرسه در ایجاد رشد و توسعه سواد تحلیلی در جوامع امروزی بیش از پیش حائز اهمیت است. با توجه به این که یکی از مهمترین کانال‌ها در برخورداری دانش‌آموزان از سواد تحلیلی، استفاده از محتوای آموزشی مناسب است، لذا کتاب‌های درسی و کارگاه‌های آموزشی می‌توانند در زمینه ایجاد و توسعه مهارت‌های تحلیل امور نقش بسزایی داشته باشند. از پیامدهای سواد تحلیلی می‌توان توسعه شایستگی، سواد تحلیلی، تقویت قدرت تحلیل را نام برد. باید توجه داشت که مهمترین عامل در کارایی آموزش سواد تحلیلی طراحی آن است که باید متناسب با اهداف استفاده‌کنندگان باشد. در راستای این امر سرفصل‌های کلی با توجه به شرایط آموزشی و فرهنگی کشور و تجربیات مصاحبه‌شوندگان شامل مدیریت مطالعه، مدیریت زمان و مفهوم‌یابی و جهت‌گیری مطالعه تدوین و اجرای برنامه آموزش سواد تحلیلی برای گروه سنی ۱۶ تا ۲۰ سال (دوره متوسطه دوم) ارائه گردید. در نهایت می‌توان گفت با بومی‌سازی تعریف سواد تحلیلی و گنجاندن مفاهیم تحلیلی در کتب مدارس و نیز ابتکار عمل در آغاز دوره‌های آموزش سواد تحلیلی برای اقشار مختلف جامعه که در حال حاضر درگیر هجوم اطلاعات گوناگون از طریق شبکه‌ها و رسانه‌های مختلف هستند پیامدهای مثبتی از قبیل افزایش قدرت بینش خانواده، تقویت سیستم آموزشی کشور، مدیریت اثر بخش اهداف خانواده و فرد، افزایش سطح سواد فرد و جامعه، عملیاتی کردن اهداف آموزشی، کاهش گسست‌های خانوادگی ناشی از مسائل آموزشی تک‌قطبی در سطح جامعه ایجاد خواهد شد.

بحث برانگیز را در مطالب شفاهی و نوشتاری ارزیابی کنند و آنها برخی از تسهیلات را در زمینه جمع‌آوری و ارزیابی شواهد درمطالب خود توسعه دهند. اما سیستم ارائه دوره‌های ویژه در این نوع تحلیل محدودیت‌هایی دارد. در چنین مواردی، آنها می‌توانند مهارت‌های تحلیلی را از طریق کار در دوره‌هایی که هیچگونه وظیفه خاصی برای ارائه آموزش در این مهارت‌ها ندارند، بدست آورند. بدیهی است که این خودآموزی امری ضربه‌زننده است. نه تنها این، بلکه داشتن سواد تحلیلی فرآیندی است که لزوماً با گذشت زمان اتفاق می‌افتد. این بدان معنی است که دانش‌آموزان - از جمله کسانی که آموزش‌های لازم را دیده‌اند - باید مهارت‌های تحلیلی خواندن و نوشتن خود را به طور مداوم تمرین و توسعه دهند. این عمل می‌تواند و مسلماً باید، فراتر از کلاس تفکر انتقادی، در محیط‌های متنوع برنامه درسی ارائه شده توسط مدارس و مراکز آموزشی گسترده‌تر باشد.

برای تقویت سواد تحلیلی ممکن است، مربیان دانش‌آموزان خود را ملزم به خواندن و نوشتن تحلیلی مطابق با الگوهای رایج کنند. مربیان باید دانش‌آموزان را ترغیب کنند که به ترتیب متناسب با وظایف خواندن و نوشتن، تأمل تحلیلی انجام دهند. ما با اعتقاد به اطلاعات ارائه شده بزرگ شدیم. ما از طریق درک تجارب یادگیری نیاز به اتخاذ مواضع انتقادی به آنچه یاد گرفته‌ایم، داریم و از پذیرش منفعلانه موارد و مطالب دوری می‌کنیم. دانش‌آموزان امروزی در مدارس با بسیاری از منابع اطلاعاتی بیشتر از تصور ما نسبت به سن و سال و شرایط آنها ارتباط برقرار می‌کنند و همانطور که آنها منابع را مطالعه می‌کنند نیاز به سوال کردن در آنها پدید می‌آید. آنها احتیاج دارند به اینکه بدانند منظور نویسنده چیست (سواردانا و همکاران، ۲۰۱۸). نقطه شروع برای کمک به دانش‌آموزان برای آگاهی تحلیلی به منظور پی بردن به موضع و ایده‌های نویسنده و مطلب نوشته شده بسیار اهمیت دارد. همچنین محیط‌هایی که برای دانش‌آموز به منظور تقویت سواد تحلیلی مهم است از جمله آن می‌توان به معلم و کلاس درس اشاره کرد (دوراک و ساری تپه چی، ۲۰۱۸). رویکرد تحلیلی به عنوان یک رویکرد مهم قابل توجه است و اینکه دانش‌آموزان چه زمانی

عفراوی، یاسر، ولوی، پروانه، مرعشی، منصور. (۱۴۰۰). بررسی تحلیلی آموزش سواد اجتماعی و استنتاج دلالت‌های آن برای آموزش و پرورش ایران، هشتمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم تربیتی، روانشناسی و علوم اجتماعی.

علی‌پور، وحیده، سیف‌نراقی، مریم، نادری، عزت‌اله، شریعتمداری، علی. (۱۳۹۲). تاملی بر موانع تفکر انتقادی در برنامه درسی آموزش متوسطه. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه‌ریزی درسی)، ۱۰ (۹): ۱-۱۵.

کشاوری، محسن. (۱۳۹۴). مطالعه تاثیر نظام آموزش از دور بر میزان سواد‌های چند گانه (سواد اطلاعاتی، چایی، رایانه‌ای، رسانه‌ای) دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران، پایان نامه دکتری، دانشگاه پیام نور.

Bawden, D. (2001). Information and digital literacies: a review of concepts. *Journal of documentation*, 57(2), 218-259.

Brooke, R. (1987). Underlife and writing instruction. *College Composition and Communication*, 38.2(May): 141-153.

Bulgurcuoglu, AN. (2016). "Relationship between critical thinking levels and attitudes towards reading habits among pre-service physical education teachers" *academic Journals*.

Cooper, Marilyn, and Michael Holtzman. (2001). *Writing as social action*. Portsmouth, NH: Heinemann, Boynton-Cook, 131-142.

Crooks, S. (2008). *Developing Analytical Literacy: The Template Approach*. *Compendium*, 2, 1(1), 1-4.

Curry, J. A. (1999). *Teaching professional practice in Canadian planning schools*. Canada Plan. 25-27.

https://en.wikipedia.org/wiki/Critical_literacy.

Durak, H. Y., & Saritepeci, M. (2018). Analysis of the relation between computational thinking skills and various variables with the structural equation model. *Computers & Education*, 116, 191-202.

Graff, G. (2002). *Beyond the culture wars: How teaching the conflicts can revitalize American education*. New York: Norton. 20-33.

Khoiriyah, A. J., & Husamah, H. (2018). Problem-based learning: Creative thinking skills, problem-solving skills, and learning outcome of seventh grade students. *JPBI*

علیرغم نقش این تحقیق در پیشرفت سواد تحلیلی، از برخی جهات محدودیت‌هایی بر نتایج آن وارد است، عدم وجود تحقیقات کافی در این زمینه و ارائه نشدن مدل جامع سواد تحلیلی از محدودیت‌های این تحقیق بود. عدم امکان تعمیم‌پذیری در ارزیابی مدل یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش می‌باشد هرچند ارزیابی مدل ارزشمند می‌باشد اما امکان تعمیم یافته‌ها را فراهم نمی‌سازد و نتایج بدست آمده فقط برای مورد بررسی شده می‌باشد.

باتوجه به محدودیت زمانی و قلمرو، پژوهش جاری مربوط به سواد تحلیلی دوره متوسطه بود. پژوهش‌های تکمیلی می‌تواند به این سواد در دوره‌های دیگر نیز بپردازند. برای پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود برای پیاده‌سازی مدل و تعمیم‌پذیری فرآیند شکل‌گیری سواد تحلیلی را، با استفاده از روش کمی روابط بین متغیرهای ارائه شده در این پژوهش را مورد مطالعه قرار بدهند. در نهایت با توجه به نتایج پژوهش حاضر که نشان می‌دهد که فرآیند شکل‌گیری سواد تحلیلی چگونه است؟ پژوهشی امکان‌سنجی آموزش سواد تحلیلی در آموزش و پرورش ایران را مورد بررسی قرار دهد.

سپاسگزاری

پژوهشگران مراتب قدردانی و تشکر خود را از تمامی متخصصان حوزه تعلیم و تربیت و صاحب‌نظران آموزشی که با استقبال و بردباری، در روند گردآوری داده‌ها و نتایج همکاری نمودند، اعلام می‌دارند.

تعارض منافع

در این پژوهش هیچگونه تعارض منافی وجود نداشت.

منابع

ابراهیم‌زاده، عیسی. (۱۳۸۴). آموزش بزرگسالان (رشته علوم تربیتی). تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
رسولی، بهنام؛ گودرزی، حسن؛ رحمتی نجار کلائی، فاطمه و مومبوند، رحیم (۱۳۹۵). رابطه سواد اطلاعاتی و تفکر انتقادی با راهبردهای خود تنظیمی دانشجویان پرستاری، مجله پژوهش سلامت، ۲ (۱): ۳۱-۲۵.
شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). تعلیم و تربیت؛ ۸۸ سخن درباب واقعیت‌های آموزش - پرورش، رشد معلم، ۲۴۴ (۱): ۲۲-۲۳.

- Iss. 4, Article 2. Available at: <https://digitalcommons.lesley.edu/jppp/vol1/iss4/2.1-22>.
- Strauss A, Corbin J. (1998). "Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques". 2nd ed. Thousand Oaks, CA: Sage.142-162.
- Street, B. (2008). Understanding and Defining Literacy. UNESCO Reports.15-22.
- Street, B. (2013). What is new in new literacy studies? Critical approaches to literacy in theory and practice. Current issues in comparative education, <http://www.readingonline.org/newliteracies/obrien,77-91>.
- Suardana, I. N., Redhana, I. W., Sudiarmika, A. A., & Selamat, I. N. (2018). Students' Critical Thinking Skills in Chemistry Learning Using Local Culture-Based 7E Learning Cycle Model. International Journal of Instruction, 11(2), 399-412.
- UNESCO. (2004). United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, place de Fontenot.
- Wertz, R. Fosmire, M. Purzer, S. Iglesias S.A. R.Sapp N.M. (2013). "Work in Progress: Critical Thinking and Information Literacy: Assessing Student Performance" asee annual conference and exposition.60-75.
- (Jurnal Pendidikan Biologi Indonesia), 4(2), 151-160.
- Khoiriyah, A. J., & Husamah, H. (2018). Problem-based learning: Creative thinking skills, problem-solving skills, and learning outcome of seventh grade students. JPBI (Jurnal Pendidikan Biologi Indonesia), 4(2), 151-160.
- Marya, A. (2007). Getting itright" and" keeping itreal": using narrative soundtracks asatransme dilatory a ctivi tyina secondary school. (Doctor of Education), University of Cincinati.35-56 .
- Marzano, R. J. (2004). Building Background Knowledge for Academic Achievement: Research on What Works in Schools ERIC#: (ED489049). Association for Supervision and Curriculum Development.30-42.
- Mayher, J. (1997). Uncommon sense: Theoretical practice in language education. Portsmouth, NH: Boynton-Cook, Heinemann.44-63.
- Perez-Pena, R. (1997). Study shows New York has the greatest income gap. New York Times, December.12: A1.102-114.
- Ravitch, D. (1974). The great school wars: New York City, 1805-1973. New York: Basic.55-69.
- Shor, I. (1999). "What is Critical Literacy?" Journal of Pedagogy, Pluralism, and Practice. Vol. 1: